نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۳۰ – ۲۰۷

بایدها و نباید های اخلاقی مدیریت کلاس در مراکز آموزش عالی با تأکید بر آموزه های اسلامی

عبدالحمید فرزانه[۱]

چکیده

هدف از جستار حاضر که از طریق مطالعات کتابخانه ای و به روش تحلیلی توصیفی انجام شده است، کشف و معرفی عناصر اخلاقی موفقیت در امر آموزش و کلاسداری است. داده‌های پژوهش نشان داد نقش اساتید و مربیان در این عرصه بی بدیل بوده و لازم است به دو دسته از بایدها و نبایدهای اخلاقی در حوزه گفتار و رفتاری پایبندی نشان دهند. دسته اول شامل پرهیز از سخنان منافی عزت نفس، اجتناب از سرزنش و تحقیر، پرهیز از خودستایی و به کارگیری کلمات ناپسند، رعایت احترام متقابل در به کارگیری تعابیر و اصطلاحات ، تنظیم صدا و رعایت مکث و نرمش در سخن می‌باشد و دسته دوم که اخلاق عملی و رفتاری حرفه استادی و معلمی را تشکیل می دهند شامل رعایت تواضع و فروتنی، شکیبایی و بردباری، عدم تبعیض و برخورد محبت آمیز با فراگیران، هماهنگی گفتار و کردار، پرهیز از از دیکتاتوری و خودرایی، نادیده گرفتن برخی خطاهای دانشجویان و فراگیران، رعایت اصل عدالت در همه حال و برخورد مبتنی بر حسن ظن با آنان می باشد. بدیهی است در این صورت، رابطه سالم و کارساز بین استاد و دانشجو برقرار وکار مدیریت کلاس به سامان خواهد شد.

واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق گفتاری، اخلاق رفتاری، استاد، دانشجو.

۱. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
Email: ab.farzaneh@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۴/۵ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۶/۲۸

طرح مسأله

مسئله اداره موفق کلاس در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از یک سو یکی از دغدغه‌های مدرسان و اساتید و از سوی دیگر یکی از مهمترین انتظارات مدیران و مسوولان این مراکز آموزشی می‌باشد. دستیابی به این هدف نیازمند ابزارها، روش‌ها و قواعد متعددی است که بخشی از آن در قالب اجرای بخشنامه‌ها، آیین نامه ها و دستورالعمل های قانونی وزارتخانه‌های مربوطه و نهادهای بالاسری محقق می شود و بخش دیگری از این هدف از طریق هنرها، سلیقه ها و ذائقه های شخصی مربیان و استادان و توانمندی‌های خاص آنها جامه عمل به خود می پوشد.

اما در کنار همه این موارد اخلاق حرفه‌ای استادی و رعایت اصول و قواعد اخلاقی در مهارت کلاسداری و موفقیت استادان و مربیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که بدون آشنایی با این اصول و پایبندی به آنها در برقراری رابطه موثر با دانشجویان، کارآمدی دیگر سازوکارها و عناصر هم به حداقل خود خواهد رسید. از این رو در پژوهش بیش رو بر آنیم که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی توصیفی، مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی موثر در مدیریت کلاس را معرفی و تبیین نماییم تا استادان و مربیان را در امر خطیر تعلیم و تربیت یاری برساند.

همچنین تلاش خواهد شد با مراجعه به منابع اصیل دینی، از آموزه‌های قرآنی و رهنمودهای گفتاری و رفتاری معصومین علیهم السلام به عنوان پشتوانه و مؤید بایدها و نبایدهای اخلاقی مزبور، بهره گرفته و بر غنای روش‌های پیشنهادی در امر کلاسداری بیفزاییم. بدیهی است در این مسیر از نظرات کارشناسی روانشناسان تربیتی و متخصصان تعلیم و تربیت نیز استفاده کافی و وافی خواهیم کرد.

نکته قابل ذکر دیگر اینکه هرچند پیش از این نیز محققان و متخصصان و صاحب نظران دیگر در این مورد پژوهش‌های موفقی انجام داده و آثار مثبتی را تولید نموده‌اند اما تکیه ما در این جستار بر مبانی دینی اخلاق کلاسداری و شیوه های موفق بر قراری ارتباط مؤثر با دانشجویان و تربیت پذیران است که امید می رود تاثیرات ماندگاری برای دست‌اندرکاران ترویج دانش و فرهنگ در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی در پی داشته باشد.

۱. مفهوم شناسی واژگان کلیدی

از آنجا که در مورد معنا و مفهوم کلمات و واژه‌های کلیدی بحث، از یک سو بین صاحب نظران ولغت شناسان اختلاف دیدگاه وجود دارد و از سوی دیگر در صحنه تجزیه و تحلیل

مباحث باید مفهوم هر لغت و واژه مشخص و روشن باشد در اینجا بـه مفهـوم شناسـی برخـی از اژه‌های محوری و کلیدی این جستار قدام می گردد.

۱-۱. اخلاق

در لغت جمع خلق به معنای سرشت و سجیه است (ر.ک: ابـن‌منظـور، ۱۴۰۵: ۴ / ۱۹۴) و در اصطلاح «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسـب بـا آن صـفات بـه سهولت و بدون نیاز به تامـل و تـروی از آدمـی صـادر شـود.» (ابـن مسـکویه، بـی تـا، ص۵۱) ارزش‌های اخلاقی را می‌توان مجموعه قواعدی دانست که رفتار انسان را در زنـدگی شخصـی و همچنین زندگی اجتماعی هدایت می‌کندو اخلاق یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌هایی که بـر رفتار شخص یا گروه حاکم است، مبنی بر اینکه درست چیسـت و نادرسـت کـدام اسـت؟ (ر.ک: حبیبی ودیگران، ۱۴۰۰)

۱-۲. علم اخلاق

این دانش به معرفی صفات نیک و بد و هنجارها و ناهنجاری هـای اخلاقـی پرداختـه و راه کسب خوبی ها و ترک بدی ها را نشان می دهد. صاحب «جامع السعادات» در ایـن زمینـه مـی گوید: «علم اخلاق، دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن ومتخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهاشدن ازصفات هلاک کننده می باشد.» (نراقـی، ۱۴۰۸ق، ج۱، ص۳۴) تاکید آموزه‌های وحیانی بر اصول اخلاقی نیز انگیزه افراد معتقد برای پایبندی به آنهـا را افـزایش می‌دهد. (جوان و همکاران، ۱۴۰۰ ، ص ۵۲)

۱-۳. اخلاق کاربردی

اخلاق کاربردی عبارت است از کاربست مبانی و معیارهای ارزش داوری اخلاقـی کـه مبـانی ارزش داوری در فرا اخلاق و معیارهای و معیارهای ارزش داوری در اخـلاق هنجـاری ورد بحـث قرار می‌گیرد. (شـریفی،۱۳۹۰، ص۸۳) بـه عبـارت دیگـر، در اخـلاق کـاربردی صـول مبـانی و ارزش‌های یک مکتب اخلاقی درباره رفتار یـا مجموعـه‌ای از رفتارهـای خـاص بـه کـار گرفتـه می‌شود(همان، ص۸۶)

اخلاق کاربردی شامل اخلاق فردی اخلاق خانواده اخلاق علم و تکنولـوژی اخـلاق زیسـت پزشکی اخلاق سیاسی اخلاق ورزشی اخلاق رسانه اخلاق حرفه‌ای و مانند آنها اسـت. (خزاعـی، بی تا، شماره ۱، ص۱۹۲ تا ۲۰۰)

۱-٤. اخلاق حرفه ای

اخلاق حرفه‌ای عبارت است از مجموعه‌ای از قواعد و اصول اخلاقی که فراتر از بخش‌نامه‌های اداری و مقررات قانونی برای دست یافتن به اهداف یک حرفه ضرورت دارد. به عبارت دیگر، «اخلاق حرفه‌ای از اخلاق در محیط یک حرفه و مسائلی که شخص در عمل حرفه‌ای خود معمولاً با آن مواجه می‌شود بحث می‌کند.» (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۸، ص ۹) گرچه توسعه دانش و فناوری و پیدایش حرفه‌ها و مشاغل گون در غرب به گسترش دانش اخلاق حرفه‌ای انجامیده است، اما پیش از آن، هم آیات و روایات اسلامی در این مورد رهنمودهای بسیار سازنده ای ارائه نموده‌اند و هم اندیشمندان مسلمان از دیرباز این موضوع مهم را مورد توجه قرار داده و آثار ارزشمندی در این زمینه به رشته تحریر درآورده‌اند.(فرزانه، ۱۴۰۱، ش۴۸ ،ص ۱۴۵) یکی از قدیمی‌ترین آثار مستندی که به اخلاق صنفی پرداخته عهدنامه امام علی (ع) به مالک اشتر موسوم به عهدنامه مالک اشتر است، زمانی که او را به عنوان حاکم مصر منصوب فرمود. (جوان و دیگران، ۱۴۰۰، ص۴۰)

۲. اصول اخلاقی اعضای هیأت علمی از نظر اندیشه وران مغرب زمین

برخی از اندیشمندان غربی مانند جان برانکستون و آلن بایر اصول اخلاقی لازم الرعایه زیر را برای اعضای هیأت علمی دانشگاه ها پیشنهاد داده اند که اکثر آنها را در آداب تعلیم و تربیت اسلامی نیز می توان ملاحظه نمود:

۲-۱. تبعیت هیأت علمی از مسؤولیت حرفه ای در برنامه ریزی دقیق دروس؛

۲-۲. برابر دانستن دانشجویان در مشاوره ، آموزش و نمره دادن؛

۲-۳. احترام به دانشجویان در مقام انسانی؛

۲-۴. آزاد اندیشی نسبت به نگرشهای مختلف در انتخاب موضوعات دروس؛

۲-۵. بی غرضی و بی طرفی در آموزش ، در برابر تلقین محتوای دروس؛

۲-۶. محرمانه نگه داشتن نمرات دانشجویان. (ر.ک: مجموعه مقالات اخلاق حرفه ای،/ نهاد رهبری در دانشگاه ها، ص۱۳)

۳. آموزه های دینی و بایدها و نبایدهای اخلاق حرفه ای استادان

هنگام بررسی آیات و روایات و دقت در روش‌های عملی معصومین علیهم السلام در عرصه برقراری ارتباط با مخاطبان و ترویج دین و فرهنگ در بین آنها، با دو دسته از بایدها و نبایدهای اخلاقی مواجه می‌شویم که به شدت در امر کلاسداری و حرفه استادی و معلمی آموزنده و تاثیرگذار می‌باشند.

دسته اول آموزه‌هایی است که شیوه صحیح سخن گفتن و ارتباط کلامی با مخاطب به ویژه

تربیت پذیران و دانشجویان را مورد تاکید قرار می‌دهند و دسته دوم آموزه‌هایی است که بر بایدها و نبایدهای رفتاری در امر کلاسداری و برخورد عملی با فراگیران و مخاطبان رهنمون می باشند.

۳-۱. بایدها و نبایدهای گفتاری در اخلاق کلاسداری

بدون تردید بیشترین و مهم‌ترین ارتباط بین استاد و دانشجو ارتباط کلامی است و برخورداری از مهارت های مناسب سخن گفتن از ضروریات حرفه معلمی و استادی می باشد. از این رو لازم است اعضای هیئت علمی مجموعه ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی را برای مدیریت موفق کلاس خود مورد توجه قرار دهند.

۳-۱-۱. بایدهای اخلاق گفتاری در امر کلاسداری

قرآن کریم به عنوان کتابی که برای هدایت همه جانبه بشر نازل شده است ویژگی‌هایی را برای گفتار نیک بیان کرده است که بخش عمده ای از بایدهای این عرصه را شامل می‌گردد. علاوه بر قرآن، در سنت معصومان(ع) و احادیث پیامبر(ص) و امامان علیهم السلام، که دومین منبع آموزه‌های دین مبین اسلام به شمار می آیند نیز رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای در زمینه تعاملات گفتاری و ارتباط کلامی، به ویژه با فراگیران و تربیت پذیران بیان شده است. سخنان پیشوایان دین در عرصه تعلیم و تربیت و روش های صحیح برقراری ارتباط سازنده بین انسان ها به حدی واقع گرایانه، کاربردی و مطابق با فطرت است که بیشتر آنها با أخرین یافته های متخصصان آموزش و پرورش و کارشناسان روانشناسی تربیتی همخوان می باشد.

۳-۱-۱-۱. زیبا سخن گفتن

خداوند در قرآن با یادآوری تعهداتی که از بنی اسراییل گرفته ولی جز اندکی از آنها پایبندی نشان نداده اند یکی از آن پیمان ها را بامردم با زبان خوش سخن گفتنی معرفی کرده و فرموده است: «... وَ قُولُواْ لِلنَّاسِ حُسْناً...» (بقره(۲)، آیه۸۳): (... و با مردمان به زیبایی سخن گویید...)

باتوجه به بخش اول این آیه که می فرماید: «ما از بنی اسراییل پیمان گرفتیم» معلوم می شود «برخورد خوب و گفتار نیکو، نه تنها با مسلمانان، بلکه با همه‌ی مردم لازم است.» (قرائتی،۱۳۸۳، ج۱، ص ۱۵۰)

۳-۱-۱-۲. کریمانه سخن گفتن

باتوجه به اهمیت حفظ کرامت الهی هر انسانی از نگاه آفریدگار عالمیان، قرآن در سفارشی ویژه در مورد احترام همه جانبه به پدر و مادر، تأکید می فرمایدکه: «... وَ قُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا...» (اسراء(۱۷)، آیه۲۳) : (... و با آنان کریمانه سخن بگوی..)

براساس آنچه در برگزیده تفسیر نمونه آمده منظور از سخن کریمانه این بخش آیه شریفه

این است که «با گفتار سنجیده و لطیف و بزرگوارانه با آنها سخن بگو.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶،ج۲، ص۶۳۰) و شکی نیست که چنین سخنی بر دل و جان مخاطب می نشیند و اندیشه او را تحت تأثیر قرار خواهد داد و اختصاص به والدین به تنهایی ندارد.

۳-۱-۱-۳. استوار و مستدل سخن گفتن

بدیهی است هرچه سخن مستحکم تر و همراه با استدلال باشد از نفوذ بیشتری برخوردار خواهد بود. از این رو خداوند دانا سفارش می کند که: «... وَ لْيَقُولُواْ قَوْلاً سَدِيدًا ...» (نساء(۴)، آیه۹): (...و باید محکم و مستدل سخن بگویند...) از نظر صاحب تفسیر المیزان، کلمه (سداد) که مصدر کلمه (سدید) است وقتی در مورد سخن استعمال شود، به معنای سخن صواب و مستقیم است. (طباطبایی،۱۳۹۱)

۳-۱-۱-٤. با نرمی سخن گفتن

احتمال تأثیر سخن آرام و ملایم و به دور از خشونت از منظر پروردگارجهانیان امری است که اختصاص به مخاطب خاصی ندارد. از این رو برای سخن گفتن با فرعون نیز سفارش می کند که: «... فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه(۲۰)، آیه۴۴): (با او به نرمی سخن گویید، شاید پند گیرد ، یا بترسد.)

نکته جالب در مورد این آیه این است که خداوند به دو پیامبر گرامی خود حضرت موسی علیه السلام و برادرش حضرت هارون علیه السلام دستور می‌دهد که در مقام هدایت و ارشاد، حتی با فرعون مدعی خدایی هم با زبان نرم و ملایم صحبت کنند. چرا که از لوازم تاثیرگذاری بر مخاطب، سخن آرام و دور از خشونت گفتن است و با این روش می‌توان در روح و جان او نفوذ کرد. «این درس قرآن به همه افراد بشر است، که در مقام هدایت تندی و درشتی نکنید.» (مکارم شیرازی،۱۳۸۵، ج۲، ص۴۷۳)

۳-۱-۱-۵. پسندیده سخن گفتن

یکی از معیارهای گفتگوی شایسته و مفید این است که بر اساس عرف قابل قبول و مورد پسند عقلا و خردمندان باشد. برهمین اساس تأکید می کند که مردم جز کلام معروف نگویند. «... إِلاَّ أَن تَقُولُواْ قَوْلاً مَّعْرُوفًا...» (بقره(۲)، آیه۲۳۵): (... مگر آنکه به وجهی پسندیده سخن بگویید.)

منظور از قول معروف ، سخن و عملی است که از نظر عقل و شرع پسندیده باشد و بتوان آن را آشکارا و بدون ترس و واهمه انجام داد.

۳-۱-۱-٦. رسا و بلیغ سخن گفتن

شیوا و رسا بودن سخن نقش مؤثری در فهم مخاطب و پذیرش و درک او دارد. به هین دلیل خداوند دستور می دهد که «...وَعِظْهُمْ وَ قُل لَّهُمْ فِی أَنفُسِهِمْ قَوْلاً بَلِیغًا ...«(نساء(۴)، آیه۶۳): (و اندرزشان بده و با آنان چنان رسا سخن بگو که در وجودشان کارگر افتد.) «یعنی به ایشان سخنی بگو که دلهایشان آن را درک کند، و بفهمند چه می‌گویی و خلاصه با زبان دل آنان حرف بزن تا متوجه شوند.» (طباطبایی،۱۳۹۱ق، ج۴ ، ص۶۴۴)

۳-۱-۱-۷. به بهترین وجه سخن گفتن

هنگام گفتگو و مکالمه با یکدیگر ممکن است بتوانیم از الفاظ زننده یا عادی یا محترمانه استفاده نماییم ومنظور خود را به مخاطب برسانیم. ولی دستور قرآن استفاده از بهترین وجه ممکن در سخن گفتن است. چنان که می فرماید: «...وَ قُل لِّعِبَادِی یَقُولُواْ الَّتِی هِیَ أَحْسَنُ...» (اسراء(۱۷)، آیه۵۳): (و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند...)

چنانکه ملاحظه می شود در اینجا روش گفتگو و استدلال با مخالفان مخصوصا مشرکان را می‌آموزد. چرا که مکتب هر قدر عالی باشد و منطق قوی و نیرومند ولی اگر با روش صحیح بحث و مجادله توأم نگردد و به جای لطف و محبت، خشونت بر آن حاکم گردد، بی‌اثر خواهد بود. (مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ۱۳۸۶، ج۲، ص۶۴۷)

در زیر برخی از اصول اخلاقی حوزه گفتار و سخن گفتن با مخاطبان که در تعامل استاد و دانشجو و اثر بخشی فعالیت های اعضای هیات علمی دانشگاه ها نقش به سزایی داشته و از پشتوانه‌های دینی و اعتقادی نیز برخوردار می‌باشند بیان می‌گردد:

۳-۱-۲-٦. رعایت نرمش در کلام

تاثیر نرمش در سخن و پرهیز از خشونت کلامی بر روی مخاطب در حدی است که خداوند به حضرت موسی و برادرش حضرت هارون علیهما السلام دستور می‌دهد که به نزد فرعون طغیانگر بروند و با او با زبانی نرم صحبت کنند شاید متوجه خطای خود شود یا از مسیری که انتخاب کرده بترسد. (قرآن کریم، سوره طه(۲۰)، آیه۴۴) بر همین اساس قرآن ناطق، علی علیه السلام نیز با زبان‌های مختلف به نرمش در سخن سفارش نموده و می‌فرماید: «من لانت کلمته وجبت محبته»(مجلسی،۱۴۰۳ق ،ج۶۸، ص۳۹۶) (هرکس بازبان نرم سخن گفت، محبتش بر دیگران واجب گردد.) همچنین در نگاهی کلی می فرماید: «لن لمن غالظک فانه یوشک أن یلین لک.» (نهج البلاغه) (در برابر درشتخویی دیگران ، نرمی را پیشه خود ساز که بدون تردید او نیز به نرمخویی در برابر تو خواهد پرداخت.)

۳-۱-۲-۷. استفاده به موقع از مهارت سکوت

بسیاری اوقات سکوت و سخن نگفتن آثاری گرانبهاتر از سخن گفتن و توبیخ و نصیحت دارد. از این رو استاد فرهیخته و کاردان باید در زمان‌های مناسب از ابزار سکوت برای راهبری کلاس و دانشجویان خویش استفاده نماید. زیرا به فرموده امیر سخن، علی علیه السلام «رب سکوت ابلغ من کلام.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۵) : (چه بسیار سکوتی که رساتر از سخن گفتن است.) برخی از مواقع گفتار یا کردار مخاطب به گونه‌ای است که پاسخی جز سکوت ندارد و ابراز هر سخن می‌تواند بدآموزی در پی داشته باشد. چنانکه حضرتش فرمود: «رب کلام جواب السکوت» : (چه بسیار کلامی که پاسخ آن سکوت است.) بدیهی است می‌توان این سکوت را با نگاه‌های معنی‌دار توأم نمود که گاه تاثیر بسیار زیادی بر جا گذارده و مخاطب را از عواقب منفی مترتب بر کلام نیز مصون می‌دارد. (امیدوار، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰)

یکی از دلایلی که امیر مومنان علیه السلام برای ارزشمندی سکوت بیان داشته این است که جبران آنچه که فرد در اثر سکوت از دست می‌دهد آسان‌تر است از به دست آوردن آنچه بر اثر سخن گفتن از دست می‌رود.(ر. ک: نهج البلاغه، ص ۴۰۲)

۳-۱-۲. نبایدهای اخلاق گفتاری در امر کلاسداری

۳-۱-۲-۱. سخنان منافی عزت نفس

عزت نفس ملکه‌ای نفسانی است که انسان را قادر می‌سازد تا حوادثی را که برای او پیش می‌آید هرچند خطیر باشند به خوبی تحمل کند.(دیلمی، ۱۳۸۷،ص ۱۲۵) بدون شک بهره‌مندی از خصلت‌های بزرگوارانه، نقش موثری در پذیرش شخصیت استاد از سوی دانشجویان و اطاعت أنان از وی در عرصه تعلیم و تربیت ایفا می نماید.«اسلام در تمام برنامه‌های عبادی و اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی عزت نفس را لحاظ کرده و نادیده گرفتن آن را در هیچ شرایطی نمی‌پذیرد. احساس ارزشمندی یا عزت نفس امری فطری هست.» (عسکری و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۱)

بر این اساس پیامبر اکرم(ص)می فرماید: «لاینبغی للمؤمن ان یذل نفسه.» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۳۴۸) : (سزاوار نیست که مؤمن خودرا خوار و ذلیل سازد.) و امام علی علیه السلام برای حفظ عزتمندی فرد در نزد دیگران اظهار فقر و نداری را امری ناپسند دانسته و می‌فرماید: «افتقر الی من شئت فأنت أسیره.» محدث نوری ، ۱۴۰۸ق ،۶۹/۱۲): (در نزد هر کسی که خواستی اظهار فقر کن تا اسیر او شوی.) همچنین امام صادق(ع) می فرماید: «ان الله تبارک وتعالی فوض الی المؤمن کل شیء الا اذلال نفسه.» (کلینی،۱۳۵۶،ج۵،ص۶۳) (همانا خدای تبارک وتعالی همه امور را به مؤمن واگذار کرده جز اینکه بخواهد خودرا خوار نماید.)

۳-۱-۲-۲. سرزنش و تحقیر مخاطب

سرزنش و تحقیر فراگیر از سوی استاد و معلم باعث می‌شود احساس عزت و اعتماد به نفس او از بین رفته و از سرزنش کننده متنفر گردد. از این رو امیر مؤمنان علی علیه السلام آثار زیانباری را برای سرزنش و ملامت بیان فرموده که در زبر به آنها اشاره می گردد:

الف. خُورد شدن شخصیت

امام علی(ع) در این زمینه می فرماید: نصحک بین الملإ تقریع. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ص۲۲۵) (نصیحت کردن[و سرزنش] در حضور دیگران، خُورد کردن شخصیت است.)

ب. ایجاد کینه و نفرت

امیر سخن(ع) می فرماید: لاتکثرن العتاب فانه یورث الضغینهٔ و یجر الی البغضهٔ. (مجلسی، ۱۴۰۳ق ، ج۷۱، ص۱۶۵) (زیاد سرزنش مکن؛ زیرا این کار کینه به بار می آورد و به دشمنی و نفرت می کشاند.)

ج. افروخته شدن آتش لجاجت

مولای متقیان(ع) در مورد این اثر زیان بار ملامت و سرزنش می فرماید : الافراط فی الملامهٔ یشب نارااللجاجهٔ. (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ص۲۲۳) (زیاده روی در سرزنش آتش لجاجت را برمی افروزد.)

د. بی اثر شدن سرزنش و جرأت کردن برگناه

امام علی(ع) می فرماید: ایاک أن تکرر العتب فان ذلک یغری بالذنب و یهون العتب. (محدث نوری،۱۴۰۴ق، ج۱۴، ۲۶۰) (از این که پی در پی ، سرزنش کنی بپرهیز ؛ چرا که این کار ، بر گناه جرئت می دهد و سرزنش را بی اثر می سازد.)

۳-۱-۲-۳. خودستایی غیر ضرور

«خودستایی» با واژه‌های مدح و تزکیه شناخته می‌شود. مدح در لغت به معنای ستایش است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج۳، ص۱۸۹) و ستایش، نسبت دادن صفات و رفتار نیک به خود یا دیگران، جهت بزرگداشت است. (تهرانی، ۱۳۸۱ ، ج۵، ص۱۲۹) زمانی که استاد بدون ضرورت به ستایش خویش و بیان ویژگی‌های مثبت خود می‌پردازد در چشم دانشجویان، فردی خود برتربین تلقی می‌گردد که در عین حال دارای کمبودهای شخصیتی است و نیاز به مدح و ثنا دارد. بنابراین برقراری ارتباط با او لازمه‌اش چاپلوسی و ستایش کردن او است.

قرآن کریم در مورد اشخاصی که خودستایی می کنند چنین می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَىَ الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم بَلِ اللّهُ يُزَكِّيّ مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلاً»؛ (آیا ندیدی کسانی را که خودستایی می‌کنند؟! [این خودستایی ها، بی‌ارزش است] بلکه خدا هر کس را بخواهد، ستایش می‌کند و

کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.) (سوره نساء(۴)، آیه۴۹) و امام نخست شیعیان می فرماید: «أقبح الصدق ثناء الرجل علی نفسه.» (تمیمی آمدی،۱۳۷۷،ص۲۲۳) (ناپسندترین راستگویی این است که فرد به ستایش خود بپردازد.)

از اندرزهای حضرت مسیح علیه السلام در انجیل این است که: «خودستائی در دین، در رأس بدی های معروف و مشهور است.» (حرّانی، ۱۳۸۰، ص۴۸۴)

۳-۱-۲-٤. به کارگیری کلمات ناپسند

هر انسانی ذاتاً دارای کرامت الهی است و خوش ندارد از سوی دیگران مورد توهین و ناسزا قرار بگیرد. از این رو اگر دانشجویی از سوی استاد با کلمات ناپسند و توهین آمیز مورد خطاب قرار گیرد بین آنها از لحاظ روحی و روانی شکاف ایجاد شده و برقراری ارتباط و در نتیجه یادگیری و تاثیرپذیری با مشکل مواجه خواهد شد و چه بسا این آثار منفی و زیانبار به دیگر دانشجویان نیز سرایت نماید. به همین دلیل امام علی(ع) می فرماید: «لاتسیء اللفظ وإن ضاق علیک الجواب.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷،ص۲۲۳) (سخن بد مگوی، اگر چه از پاسخ درمانده باشی.)

امام باقر(ع) نیز استفاده از کلمات ناپسند را نشانه ضعف شخصیت معرفی کرده و می فرماید: «سلاح اللیام قبیح الکلام.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق ، ج۷۵، ص۱۸۵) (سلاح انسان های پست سخنان زشت است.)

۳-۱-۲-۵. شوخی کردن بیش از حد

هرچند شوخ طبعی و مزاح کردن به موقع می‌تواند نقش موثری در تلطیف کلاس و زدودن خستگی دانشجویان داشته باشد اما تردیدی نیست که اگر استاد بیش از اندازه شوخی نماید از یک سو به منزلت او لطمه خورده و از سوی دیگر ممکن است به برخی دانشجویان برخورده و در آنها ایجاد کینه و نفرت نماید. به همین سبب مولای متقیان علی علیه السلام ضمن رد زیاد شوخی کردن، آثار مخربی را برای آن برمی شمارند که به برخی از آنها اشاره می گردد:

الف. ضایع شدن احترام و جلیگاه شوخی کننده: «کثرة المزاح تذهب البهاء و یوجب الشحناء.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ص۵۹۷) (زیاد شوخی کردن احترام انسان را از بین می‌برد و موجب نفرت می‌گردد.)

ب. ایجاد کینه ونفرت: «دع المزاح فانه لقاح الضغینة» (همان، ص۲۲۲) (از مزاح و شوخی خودداری کن که نطفه کینه و نفرت است.)

ج. احمق شمرده شدن شوخی کننده: «من کثر مزاحه استحمق.» (همان) (هر که زیاد شوخی کند، احمق به شمار می آید.)

د. کاسته شدن از وقار و شخصیت فرد: «مَنْ کَثُرَ مَزْحُهُ قَلَّ وَقَارُهُ» (همان) (کسی که بیش از حد شوخی کند وقار و شخصیتش کاستی می یابد.)

۳-۱-۲-٦. مجادله و لج بازی در بحث

جدل و مجادله در لغت به معنی جنگ، ستیزه، نزاع، خصومت، دشمنی، درگیری لفظی، مشاجره و مناظره است.(ر.ک: معین، ۱۳۸۸ و ابن منظور، ۱۴۰۵ق) و در اصطلاح ، جدال حجتی است که مراد از آن درهم کوبیدن خصم و نزاع با او ست، بدون آنکه غایت، آشکار کردن حق باشد. (طباطبائی،۱۳۹۱ق، ج۱۲، ص ۳۷۱)

طبیعی است بحث و جدل های بیهوده، نه تنها باعث تلف شدن عمر و زمان طرفین می گردد بلکه زمینه نفرت و کینه توزی و شکاف بین آنها را فراهم کرده و سبب می‌شود حتی سخنان به حق و مفید یکدیگر را هم نپذیرند.

در قرآن کریم بارها از کلمه جدل و جدال سخن به میان آمده که معمولاً معنای منفی و رقابت ناصحیح در بحث و گفتگو را به ذهن می‌آورد. اما در برخی موارد از نوعی جدال با عنوان جدال احسن یعنی به بهترین وجه گفتگو کردن نیز سخن گفته و آن را شیوه مورد قبول در مباحثات معرفی و به آن سفارش نموده است. (ر.ک: نحل(۱۶)، آیه۱۲۵)

پیامبراکرم(ص) در باره ناپسندی لجبازی در گفتگو و مجادله بی فایده می فرماید: «فَاِنَّ اَوّلَ ما نَهانی عَنهُ رَبّی بَعدَ عِبادةِ الاَوثانِ المِراء» (شهیدثانی ، ۱۳۶۴، ص۳۱۶) (اولین چیزی که پروردگارم پس از پرستش بتان مرا از آن نهی فرمود بحث و جدل های بی نتیجه بود.)

۳-۲. بایدها و نبایدهای رفتاری در اخلاق کلاسداری

بخش دوم عملکرد یک معلم و استاد برای مدیریت بهینه و موفق کلاس ، کنش های رفتاری و کرداری او است که اصول و ضوابط اخلاقی ویژه ای برای آن در آموزه‌های اسلامی وجود دارد. بایدها و نبایدهای رفتاریی که اتفاقا کارشناسان آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت نیز بر آن تاکید دارند:

۳-۲-۱. بایدهای اخلاق رفتاری در امر کلاسداری

۳-۲-۱-۱. رعایت تواضع و فروتنی

بدیهی است زمانی که بین استاد و دانشجو رابطه محبت آمیز برقرار باشد وفراگیر از استادش فروتنی و تواضع مشاهده نماید امر آموزش و پرورش نیز به خوبی انجام خواهد شد و سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل خواهد نشست!

امام علی(ع) می فرماید: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم.» (کلینی، ۱۳۶۵،ج۱، ص۳۶) (نسبت به

کسی که به او دانش می آموزید فروتن باشید.) و در فرمایش دیگری به فایده تواضع و فروتنی نسبت به فراگیران اشاره کرده و می فرماید: «ثمرة التواضع المحبة.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷،ص۲۴۹) (ثمره ی فروتنی محبت است.)

امام صادق (ع) نیز ضمن تعمیم دادن لزوم فروتنی در برابر شاگرد و استاد، رفتار جبارانه دانشمندان را مایه از بین رفتن حقانیت آنان دانسته و می فرماید: «تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم، و لاتکونوا علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم.» (کلینی،۱۳۶۵، ج۱، ص۳۶) (نسبت به شاگردان خود متواضع و نسبت به استادان خود فروتن باشید، و از علمای جبار نباشید که رفتار باطلتان، حق شما را نیز از بین ببرد.)

۳-۲-۱-۲. خوشرویی و گشاده رویی

معلم [و استاد] محور اصلی تعلیم و تربیت است که دلسوزانه فعالیت می‌کند تا مطلبی را به نحو احسن و قابل فهم به فراگیران منتقل کند بدیهی است که در این مسیر مهم‌ترین کار توانایی مدیریت و اداره کلاس و ایجاد رفتار مطلوب در سایه ارتباط خوب و موثر با دانش آموزان[و دانشجویان] می‌باشد چرا که ایجاد یک رابطه صحیح می‌تواند فضای کلاس را برای دانش آموزان دوست داشتنی و جذاب کند. (ر.ک: عبداللهی و دیگران، ۱۴۰۲، ص۸۲)

بدون شک برخورد خوشرویانه و با نشاط عامل بسیار مهمی در جذب مخاطب و تاثیرگذاری بر آنها خواهد بود و زمینه پذیرش هرچه بیشتر استاد از سوی دانشجویان را فراهم خواهد نمود. مولای متقیان علی علیه السلام می‌فرماید: «البشاشه فخ الموده» یعنی بشاش بودن و خوشرویی دامی برای مودت و دوستی است. (مجلسی، ۱۴۰۳ق ،ج ۷۵، ص ۳۸)

ممکن است در اینجا این سوال پیش آید که اگر استاد و معلمی در زیر بار فشار مشکلات و کمبودها و مسائل زندگی دچار غم و اندوه باشد چه جایی برای خوشرویی و با نشاط بودن می ماند؟ امام علیه السلام در جای دیگر ضمن وقوف به این واقعیت، مشخصه ای را برای مؤمنان راستین نقل می‌کند که پاسخ به این سوال است. ایشان می‌فرماید:«المؤمن بشره فی وجه و حزنه فی قلبه» یعنی مؤمن حقیقی شادیش در چهره او نمایان و اندوهش در قلبش نهان است. (نهج‌البلاغه،حکمت۳۳۳)

۳-۲-۱-۳. شکیبایی و بردباری

بی تردید کار معلمی و استادی یکی از شغل‌های سخت و طاقت فرسا است که نیاز به برخورداری از آستانه صبر بالا و بردباری فزاینده دارد و اگر کسی که وارد این عرصه می‌شود از شکیبایی لازم برای جهاد در عرصه تعلیم و تربیت برخوردار نباشد موفقیت چندانی نخواهد داشت. از این رو باید همواره سفارش‌های سازنده پروردگار دانا را آویزه گوش خود قرار دهد که

فرمود: «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران(۳)، آیه۲۰۰): (ای اهل ایمان صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و بایکدیگر در ارتباط باشید و از خدا بپرهیزید،شاید که رستگار شوید)، و در سوره مبارکه «عصر» یکی از راه های نجات از خسران و زیانکاری را سفارش به صبر و بردباری معرفی می‌کند و می‌فرماید: «سوگند به عصر* که همانا انسان در زیانکاری است * مگر آنان که ایمان آورده اند وکارهای نیک انجام داده و یکدیگر را به حق سفارش و به پایداری و بردباری توصیه کرده اند.»

امام صادق (ع) نیز با آگاهی از ضرورت صبر و شکیبایی برای دانش اندوزی می فرماید: «اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم و الوقار.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸) (دانش بیاموزید و دانش خود را با خویشتن‌داری و وقار زینت بخشید)

۳-۲-۱-٤. برخورد محبت آمیز با فراگیران

برخورد با محبت و احترام نسبت به افراد، استفاده از ارتباطات مبتنی بر گشادرویی و ارزش دادن به افراد به وسیله توجه و اولویت دادن به نیازهای آنان نقش مؤثری در پذیرش برنامه های تربیتی و فرهنگی از سوی آنان خواهد داشت. (ر.ک: فرزانه و امیریان‌زاده، ۱۳۹۵، ش ۲۷، ص۱۴) به همین دلیل امیر مؤمنان، علی (ع) در باب کارکرد کیمیای محبت در تأ ثیرپذیری دریافت کننده مهربانی از عرضه کننده آن می فرماید: «به هر کس می خواهی نیکی کن تا امیر و فرمانروای او شوی.» (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۵, ص۱۶)

نویسنده کتاب وزین «منیه المرید» که به «آداب تعلیم و تعلم در اسلام» ترجمه شده است در این زمینه می گوید : «برای آنکه شاگرد بتواند با معلم انس پیدا کند و بدو اعتماد نماید باید از محبت و توجه او اشباع شود . وقتی شاگرد از معلم توجه و محبت و احترام مشاهده نکرد و معلّم نسبت به او توهین روا داشت از معلّم و استفاده از او بیزار می گردد.» (شهید ثانی، ۱۳۶۴)

۳-۲-۱-۵. خود را به جای مخاطب قرار دادن

بدون شک همدلی و قرار گرفتن در جایگاه دانشجویان، باعث درک بهتر احساسات و تجربیات آن‌ها شده و به ما کمک می‌کند تا بهتر با آنان ارتباط برقرار کنیم و درک کنیم که آن‌ها چه نیلزها و انتظاراتی دارند. این توانایی برای ایجاد روابط اجتماعی عمیق‌تر و افزایش همکاری و همفکری از اهمیت بالایی برخوردار است. امام علی(ع) در نامه ای خطاب به امام مجتبی(ع) می فرماید: «ای فرزند عزیزم ! خویشتن را بین خود و دیگری میزان قرار ده . پس برای دیگری دوست بدار آنچه برای خود دوست داری و برای دیگری ناخوشایندبدان آنچه برای خود ناخوشایندمی دانی ؛ وستم نکن همانگونه که دوست نداری به تو ستم شود ؛ ونیکی کن همانطور که دوست داری به تو نیکی شود ؛ و از خودت زشت بشمار آنچه ازدیگران زشت

می‌شماری....» (نهج البلاغۀ؛ نامه۳۱)

تأثیر «اصل خود را بجای دیگران گداشتن» در تنظیم رفتار فرد به حدی بالا است که برخی سفارش کرده اند: داور به لحاظ اخلاقی باید به گونه ای یک مقاله را داوری نماید که انتظار دارد مقاله خودش مورد داوری قرار بگیرد. (ر.ک: اولیاء، محمد باقر و شکیبا، مهرداد ،۱۳۸۷)

۳-۲-۱-٦. تغافل و نادیده انگاری خطای دیگران

«تغافل» هم ریشه «غفلت» است؛ و به معنای نادیده انگاشتن، چشم‌پوشی عمدی و خود را به غفلت زدن می باشد. (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج۱۵ ، ص ۵۴۷ – ۵۴۸) تغافل در نگاه علم اخلاق؛ یعنی اینکه انسان‌ها در برابر برخی از اشتباهاتی که از دیگران انجام می‌گیرد- اما این اشتباهات سهوی‌اند یا از نوع خطاهایی هستند که هنوز به مرز جُرم و گناه سنگین نرسیده‌اند- تغافل و چشم‌پوشی کند و خود را به غفلت بزند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۶۶)

امام علی علیه السلام می فرماید: «مِنْ أَشْرَفِ أَفْعَالِ الْكَرِيمِ غَفْلَتُهُ عَمَّا يَعْلَمُ .» (نهج البلاغۀ؛ ص: ۴۴۶) (از شریف ترین کارهای انسان بزرگوارنادیده انگاشتن چیزهایی است که می داند.) ودرجای دیگر می فرماید: «لاحلم کالتغافل .» (تمیمی آمدی،۱۳۷۷،ص۲۴۵) (هیچ بردباریی مانند خود را به غفلت زدن نیست.

بدیهی است زمانی که خطای غیر عمد یا نقطه ضعف دانشجویی را بزرگوارانه نادیده می‌گیریم و خود را به تقافل می‌زنیم از یک سو عزت نفس و کرامت او حفظ می‌شود و از سوی دیگر برای پاسداری از این جایگاه به رفع نقایص و اشتباهات و خطاهای خود اقدام خواهد نمود تا با این کار اعتماد و رابطه احترام آمیز موجود را محافظت نماید. به عبارت دیگر «اثر تربیتی تغافل این است که شخص خطاکار، با احساس احترام و اعتمادی که از سوی مدیر می‌بیند، در جهت جبران لغزش‌های خود می‌کوشد و درصدد است که اعتماد و حسن ظن مدیر را در عمل نسبت به خویش، جلب کند.» (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۷۳)

البته باید توجه داشت که تغافل با عدم احساس مسئولیت نسبت به انحرافات و شانه خالی کردن از زیر بار فریضه گرانبهای امر به معروف و نهی از منکر متفاوت می‌باشد و نباید بی مناسبت از کنار تخلفات و فسادها عبور کرد و نام آن را تغافل گذاشت.

۳-۲-۱-۷. عفو و گذشت

شک نداریم که هر انسانی به غیر از معصومین علیهم السلام در معرض خطا و اشتباه و لغزش می‌باشد. بنابراین همواره مچ گیری، خرده گیری، سرزنش و مجازات به خاطر هر خطا و اشتباهی خردمندانه و پسندیده نیست. بلکه در برخی موارد لازم است با گذشت و چشم پوشی بستر بازگشت و اعتماد به نفس را برای خطاکار فراهم سازیم تا برای اثبات لیاقت خود جهت

برخورداری از عفو و گذشت ما و نشان دادن ابعاد مثبت شخصیت خویش، راه تلاش و کوشش را در پیش گیرد. به همین دلیل خداوند به صراحت رسولش را به اتخاذ چنین شیوه‌ای، دستور می‌دهد ومی فرماید: «خذ العفو وامر بالعرف واعرض عن الجاهلین» (اعراف (۷)، آیه۱۹۹) (ای رسول ما، شیوه عفو، گذشت و بخشش را پیشه‌کن و به نیکوکاری امر نما و از مردمان نادان روگردان باش).

نبی مکرم اسلام (ص) نیز می‌فرمایند: «علیکم بالعفو فان العفو لا یزید العبد الا عزا فتعافوا یعزکم الله.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج۲، ص۱۰۸، تهران) (بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو و گذشت موجب عزت بنده است، پس نسبت به همدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزیز کند.)

امام علی (علیه‌السلام) هم می‌فرمایند: «العفو تاجُ المکارم» (تمیمی آمدی ، ۱۳۷۷، ص۱۴۰) (عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است.)

۳-۲-۱-۸. حمایت و کمک به دانشجو

در فرهنگ غنی اسلام و آموزه‌های حیاتبخش آن، بخش عظیمی از این تعالیم در ارتباط با روابط انسان‌ها با یکدیگر و فضیلت‌های والا و فراوان خدمت‌رسانی و رفع حوائج دیگران است. (فرحزادی، ۱۳۹۰ ، ص ۶۴) تا جایی که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من سعی فی حاجه اخیه المومن فکانما عبدالله تسعه آلاف سنه صائما نهاره او قائماً لیله» (مجلسی،۱۴۰۳ق ، ج ۷۱ ، ص ۳۱۵) (کسی که در راه رفع نیاز برادر مؤمنش کوشش می‌کند مانند آن است که خداوند را نه هزار سال در حالی که روزها را روزه داری و شب‌ها را شب زنده داری کرده باشد عبادت کند.)

امام حسین علیه السلام: «اعلموا ان حوائج الناس الیکم من نعم الله علیکم فلا تملوا النعم فتتحول الی غیرکم.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴،ص ۳۶۹) (بدانید همانا احتیاجات مردم به شما از نعمت‌های خداوند برای شماست. بنابراین از نعمت‌های الهی خسته نشوید زیرا در غیر این صورت این نعمت‌ها در اختیار دیگران قرار خواهد گرفت.)

امام کاظم (ع) در مورد آثار اخروی تلاش برا رفع نیازهای همنوعان می فرماید: «ان لله عبادا فی الارض یسعون فی حوائج الناس، هم الامنون یوم القیامهٔ، و من ادخل علی مؤمن سرورا فرح الله قلبه یوم القیامهٔ.» (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۱،ص۲۴۸) (خداوند در روی زمین بندگانی دارد که در برآورده نمودن حاجتهای مردم تلاش می‌کنند، اینان در روز قیامت در آسایش و امنیت هستند، و هر که سرور و خوشحالی بر انسان با ایمانی وارد سازد خداوند در روز قیامت قلبش را شادمان می‌گرداند.)

۳-۲-۱-۹. رفق و مدارا نمودن با دانشجو

«رفق» در لغت به معنای سازگاری در مقام عمل؛ و نرمی و لطافت در انجام کارها آمده (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج۵، ص۱۴۹) و مدارا نیز به معنی مماشات تسامح و فروتنی به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۰، ج ۱۲، ص ۱۸۱۱۹)

چنانکه ملاحظه می شود واژه رفق و مدارا دارای معنایی نزدیک به هم هستند ولی عمدتاً واژه رفق در مورد موافقان و دوستان و به کار می‌رود و واژه مدارا بیشتر در رابطه با مخالفان و دشمنان کاربرد دارد. (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق ، ص ۴۵۷)

امام علی(ع) در رابطه با ارزشمندی رفتار سازگارانه و همراه با تسامح می فرماید : «رأس العلم الرفق.» (تمیمی آمدی،۱۳۷۷،ص۲۲۳) (اوج دانایی، مدارا و سازگاری است.) همچنین می فرماید: «ارفق توفق.» (همان،ص۲۴۴) (مدارا کن تا موفق شوی.)

بدیهی است «لازمه التزام به اصل رعایت رفق و مدارا در تربیت، نرم خویی از سوی مربی در برخورد با متربی و دقت در گزینش روش های تربیتی اثربخش به منظور توفیق مربی و تسهیل فرایند تربیت متربی است.» (اعرافی و دیگران، ۱۴۰۱، ص۲۵)

۳-۲-۲. نبایدهای اخلاق رفتاری در امر کلاسداری

۳-۲-۲-۱. تبعیض در تعلیم و تربیت

بدون شک رفتارهای اخلاقی و انسانی و بدون تبعیض استاد و معلم نقش به سزایی در جذب و جلب توجه فراگیران به آموزه‌های تربیتی و علمی او ایفا می‌کند. از این رو قرآن کریم به منظور از بین بردن زمینه تبعیض بین انسان‌ها اعلام می‌کند که «ی مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ [اینها ملاک امتیاز نیست،] گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.» (حجرات(۴۹)، ۱۳)

در تعالیم پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به مسئله عدم تبعیض بین مخاطبان توجه فراوان شده است. به طور مثال امام علی(ع) در نگاهی کلی، کارگزار خود را به پرهیز از تبعیض بین مردم سفارش کرده و می فرماید: «فَلْيَكُنْ أَمْرُ النَّاسِ عِنْدَكَ فِي الْحَقِّ سَوَاءً» (نهج البلاغة، ص۳۸۷): (باید کار مردم از نظر رعایت حق در نزد تو مساوی باشد.) امام صادق(ع) هم یکی از ویژگی های پیامبر اکرم(ص) را عدم تبعیض بین مخاطبان معرفی کرده و می فرماید : «رسول خدا(ص) وقتش را بین یارانش تقسیم می‌کرد، و به این و آن به یک چشم و به طور مساوی نگاه می‌کرد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲,ص ۱۴۲)

بر اساس همین آموزه ها است که برخی از متخصصان تعلیم و تربیت اصرار دارند که «او (معلم) نباید بین شاگردان تفاوت و تمایز قائل شود. اگر شاگردان احساس کنند که معلم بین

آنها تبعیض قائل شده است به او توجه و اعتماد نخواهند کرد.» (شعبانی،۱۳۸۹, ص ۱۳۵)

۳-۲-۲-۲. دوگانگی گفتار و کردار

هر چند امیر مؤمنان، علی علیه السلام فرموده است : «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷، ص ۵۸ و ص۶۱۲) (به آنچه گفته می‌شود بنگرید نه به آنکه می‌گوید) و سعدی شیرازی نیز می‌گوید : «لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی‌ادبان! هرچه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از فعل آن پرهیز کردم» (سعدی شیرازی ۱۳۹۱، ص۶۷) ، ولی از آنجا که فطرت الهی انسان از دو رویی و ریاکاری متنفر بوده و در پذیرش سخنان غیر مطابق با رفتار گوینده دچار مشکل می‌شود، خداوند دانا خطاب به مؤمنان می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُون؟» (صف(۶۱) ، ۲): (ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را می گویید که به آن عمل نمی کنید؟)

امام علی(ع) نیز نه تنها یگانگی گفتار و کردار را برای رهبر و هدایتگر جامعه لازم شمرده بلکه می فرماید: «.. وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ» : (... باید تربیت رفتاری او زودتر از تربیت زبانیش صورت پذیرد.)

امام صادق(ع) هم می فرماید: : «با چیزی جز زبانتان مردم را به دین و ارزشها دعوت کنید تا ازشما پرهیزگاری وتلاش و نمازگزاری و نیکی ببینند. به راستی که همین ها خود دعوت کننده می باشند.» (وسایل الشیعه/ج۱، ص۷۶)و در جای دیگر می فرماید: به راستی اگرعالم به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دلها می لغزد آن چنان که باران از روی سنگ صاف می لغزد. (کلینی،۱۳۶۵، ج۱، ص۵۶)

همچنین از مفضل بن عمر نقل شده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: فرد رستگار به چه چیزی شناخته می شود؟ فرمود: کسی که رفتارش با گفتارش موافق باشد می توان به رستگاری او شهادت داد و هرکس گفتارش با کردارش مطابق نباشد رستگاری او موقتی خواهد بود. (همان، ص ۴۵)

۳-۲-۲-۳. دیکتاتوری و خودرأیی

برخی از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند «در تشکیل باورها باید بین آن دسته از عقاید که متکی بر دلیل هستند با آنچه که در اثر زمینه های عاطفی و شرطی به وجود آمده اند، فرق گذاشت. حتّی در تشکیل باور صحیح باید دلائل درستی آن برای خود فرد روشن باشد . به عبارت دیگر نمی توان باوری را صرفاً به خاطر اینکه صحیح است به دیگران تحمیل نمود . زیرا در این صورت مسأله عادت دادن مطرح می شود نه پرورش تفکر و شناخت علمی .» (شعبانی،۱۴۰۱، ج۱, ص ۸۰- ۸۱)

امام علی(ع): من استبد برأیه هلک.» (نهج البلاغه، حکمت۱۶۱) (کسی که استبداد رأی داشته باشد هلاک می شود.)

با توجه به بخش دیگر این حدیث که می‌فرماید: «و من شاور الرجال شارک فی عقولها» یعنی کسی که با مردمان مشورت کند در عقول آنها شریک خواهد شد، یکی از دلایل هلاکت فرد مستبد محرومیت او از نظرات دیگران و در نتیجه سقوط وی در ورطه هلاکت و نیستی خواهد بود. دلیل دیگر آن این است که وقتی فرد مستبد می‌شود و دیگران را مورد تعدی و یکتاتوری قرار می‌دهد آنها را به مقاومت در برابر پذیرش حقیقت وادار می‌کند و در نتیجه زمینه انحراف آنها را فراهم می‌سازد و با این عمل، گناهکار شده و دچار هلاکت معنوی و پوچی و بی‌ارزشی خواهد شد. چنانکه یکی از کارشناسان تعلیم و تربیت در باب عکس‌العمل فراگیران در برابر رفتارهای مستبدانه مربیان می‌نویسد: «... اگر [فراگیر] برای قبول باور تازه تحت فشار قرار گیرد ممکن است حالت دفاعی به خود گرفته و برای اثبات عقاید خود به توجیه بپردازد یا ممکن است عقاید جدید را بدون دلیل و برخلاف میل باطنی خویش بپذیرد ...» (شعبانی،۱۴۰۱، ج۱، ص۸۴)

۳-۲-۲-٤. بی عدالتی

پروردگار عالمیان در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ» (نحل(۱۶)،آیه ۹۰) :(همانا خداوند به عدالت و نیکی فرمان می دهد.)

در روایتی آمده که از حضرت علی علیه‌السلام پرسیده شد: «کدام یک از این دو برترند: عدالت یا بخشندگی؟ فرمود: عدالت؛ هرچیز را به جای خود می‌نهد و بخشندگی آن را از جای خود بیرون می‌نهد. عدالت، نگاهدارنده همگان است و بخشندگی، تنها کسی را در بر می‌گیرد که بخشش نصیب او شده. پس عدالت از بخشندگی شریف‌تر و برتر است.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۷)

همچنین آن حضرت در مورد رسول اکرم(ص) می فرماید: أنه علیه السلام کان یقیم عماد الحق و یشرع أمثلة العدل فی صغیر الأمور و کبیرها ...(نهج البلاغة؛ ص: ۳۲۵) (براستی که پیامبر(ص) ستون های حق را برپا داشته و نمونه های عدالت را در امور کوچک و بزرگ قانونگذاری می فرمود.)

از آنجا که به فرموده امام خمینی ره، «معلمی شغل انبیا است» بر اساتید و آموزگاران نیز واجب است که در امر کلاسداری و برخورد با فراگیران در امور کوچک و بزرگ مواظب عدالت و حق را به حق رساندن باشند تا زمینه حفظ حقوق تک تک آنان فراهم شود.

۳-۲-۲-۵. برخورد مبتنی بر سوء ظن

هنگامی که آگاهی ما نسبت به چیزی پایین تر از صد در صد و بالاتر از پنجاه درصد باشد آن را ظن و گمان می نامند. از آنجا که داوری و حکم ما در باره اشخاص و پدیده ها باید مبتنی برعلم و یقین باشد قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا...» (یونس(۱۰)،۳۶) (یقیناً گمان و ظن به هیچ وجه انسان را از حق بی نیاز نمی کند،) به همین دلیل در جای دیگر مؤمنان را به دوری جستن از ظن و گمان فرا خوانده و می فرماید: «یاایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم...» (حجرات(۴۹)،۱۲) :(ای کسانی که ایمان آورده اید ، از بسیاری از گمان بپرهیزید زیرا برخی از گمانها گناه است....)

از نظر صاحب تفسیر نور، سوء ظن اقسامی دارد که بعضی پسندیده و برخی ناپسند است:

۱. سوءظن به خدا، چنانکه در حدیث می‌خوانیم: کسی که از ترس خرج ومخارج زندگی ازدواج نمی‌کند، در حقیقت به خدا سوء ظن دارد؛ گویا خیال می‌کند اگر تنها باشد خدا قادر است رزق او را بدهد، ولی اگر همسر داشته باشد، خدا قدرت ندارد. این سوءظن، مورد نهی است.

۲. سوء ظن به مردم، که در این آیه از آن نهی شده است.

۳. سوء ظن به خود، که مورد ستایش است. زیرا انسان نباید به خود حسن ظن داشته باشد و همه کارهای خود را بی‌عیب بپندارد. (قرائتی ، ۱۳۸۳ ،ج ۹ ، ص ۱۹۰)

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله نیز می فرماید : «اِحتَرِسوُا مِنَ النّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ.» (حرّانی ، ۱۳۸۰، ص ۵۳) (از سوء ظن و بدگمانی نسبت به مردم بپرهیزید.)

امام علی(ع) برای پیشگیری و خنثی سازی بدگمانی می فرماید: «اطلب لاخیک عذرا ان لم تجدله عذرا فالتمس له عذرا.» (مجلسی،۱۴۰۳ق ،ج۶۵ ص۲۰۰) (اگراز برادر دینی خود رفتاربدی دیدی عذر اورا دریاب؛پس اگربرایش عذری واقعی نیافتی برایش عذری بتراش.) ودر جای دیگر تأکید می کند عمل برادران مؤمن را باید حمل به صحت کرد مگر عکس آن ثابت شود.:: «هر کاری که از برادر دینی ات سرزند به بهترین وجه آن حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه به سخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می‌یابی.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج۴ , ص۶۶) وی همچنین با اشاره به آثار سودمند خوشبینی نسبت به دیگران می فرماید: «حُسنُ الظَّنِّ راحَةُ القَلبِ وَ سَلامَةُ البَدَنِ.» (تمیمی آمدی،۱۳۷۷، ص ۳۸۴) (خوش‌بینی، مایهٔ راحتی جان و سلامتی تن آدمی است.)

امام جعفرصادق(علیه‌السلام) هم خوشبینی و مثبت اندیشی را ریشه یابی کرده و می فرماید: «حُسُن الظَّنِّ اَصلُهُ مِن حُسنِ ایمانِ المَرءِ و سَلامَةِ صَدرِهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۹۶) (اصل و ریشهٔ حسن‌ظَن، ایمان نیکوی شخص و صفای باطنی او است.)

۳-۲-۲-۶. غفلت از عبارت طلایی «نمی‌دانم»

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما اوتیتم من العلم الا قلیلا» (اسرا(۱۷) ، ۸۵) (و ما جز اندکی از علم به شما داده‌ایم.) پس طبیعی است که همه چیز را همگان دانند و هیچکس همه چیز را می‌داند . بنابراین باید شهامت داشته باشیم وقتی چیزی نمی‌دانیم با صراحت اعلام کنیم. در داستان آفرینش آدم(ع) در قرآن کریم آمده است: خداوند اسماءالله را به آدم (ع) آموخت سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اینک شما اگر می‌توانید از اسماءالله خبر بدهید! فرشتگان صادقانه گفتند: «لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا » (بقره(۲) ، ۳۲) یعنی ما چیزی جز آنچه که خودت به ما آموخته‌ای نمی‌دانیم.

رسولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می فرماید : «یا أبا ذَرٍّ ، إذا سُئلتَ عن عِلمٍ لا تَعلَمُهُ فَقُل : لا أعلَمُهُ تَنجُ مِن تَبِعَتِهِ ، و لا تُفْتِ بما لا عِلمَ لکَ بهِ تَنجُ مِن عَذابِ اللّه ِ یَومَ القِیامَةِ.» (مجاسی،۱۴۰۳ق، ج۷۴، ص۷۶) (ای ابوذر! اگر درباره چیزی از تو سؤال شد که نمی دانی ، بگو : نمی دانم، تا از پیامدهای آن خلاص شوی و درباره آنچه نمی دانی فتوا مده، تا از عذاب خدا در روز قیامت نجات یابی.)

امام علی علیه السلام نیز می فرماید : «لا یَستَحیِی العالِمُ إذا سُئلَ عمّا لا یَعلَمُ أن یَقولَ : لا عِلمَ لی بِهِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج۵، ص۱۵۹) (عالم هر گاه از او سؤالی شود که پاسخش را نمی داند، از این که بگوید : «پاسخش را نمی دانم» ، شرم نمی کند .) و در جای دیگر می فرماید: گفتن جمله «نمی دانم»، نیمی از دانش است. (تمیمی آمدی،۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۸)

«شیخ انصاری از علمای بزرگ ماست ، هم از نظر علمی که در دو فن فقه و اصول واقعا از علمای محقق و طراز اول است و هم از نظر تقوی .... گاهی که از او مسئله‌ای (مسئله شرعی) می‌پرسیدند ، با اینکه مجتهد بود، یادش نبود . هر وقت که یادش نبود بلند می‌گفت نمی‌دانم تا شنونده و شاگردان بفهمند که اعتراف به ندانستن ننگ نیست. (مطهری،۱۳۷۵، ج۱،ص۲۴۶)

بی تردید وقتی معلم و استاد از مطلبی اطلاع ندارد و صادقانه عدم آگاهی خود از آن مطلب را اعلام می‌کند و با شهامت عبارت نمی‌دانم را بر زبان می‌راند صداقت او بیش از پیش برای مخاطب به اثبات می‌رسد و برقراری چنین رابطه‌ای اعتمادآفرین خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اگر فعالیت‌های ظاهری یک معلم و استاد در کلاس را بـه دو بخـش عمـده گفتـار و رفتـار تقسیم کنیم، بر اساس یافته های این تحقیق لازمه توفیق در این دو زمینه، عـلاوه بـر رعایـت بخشنامه ها و قوانین و مقررات رسمی، پایبندی به پاره ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی در این دو حوزه می باشد.

بخش نخست این الزامات که مربوط به عملکرد گفتـاری یـک عضـو هیئـت علمـی در امـر کلاسداری است، دارای چهارچوب‌ها و اصول اخلاقی خاصی است که رهنمودهای اسـلام و نظـر کارشناسان تعلیم و تربیت نیز مؤید آنها بوده و به قرار زیر می‌باشند:

الف. بایدهای اخلاق گفتاری در اداره کلاس که شامل زیبا سخن گفتن کریمانه و مسـتدل و استوار بودن کلام با نرمی سـخن گفـتن و پسـندیده بـودن سـخنان رسـا و بلیـغ سـخن گفـتن بهره‌گیری از بهترین وجه در بیان مطالب می‌باشد

ب. نبایدهای اخلاقی عرصه سخن در مدیریت کلاس که عبارتند از: به کـارگیری کلمـات و سخنان منافی عزت نفس، سرزنش و تحقیر مخاطب، خودستایی غیر ضرور، به کارگیری کلمـات ناپسند، شوخی بیش از حد، خشونت در کلام و غفلت از مهارت سکوت به موقع، مجادله بیهوده و لجبازی در بحث.

بخش دوم عملکرد یک معلم و استاد برای مدیریت بهینـه و موفـق کـلاس ، کـنش هـای رفتاری و کرداری او است که اصول و ضوابط اخلاقی ویژه ای برای آن در آمـوزه‌هـای اسـلامی وجود دارد. اصولی که کارشناسان آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت نیز بر آن تاکید دارنـد و بـر دو دسته اند:

الف بایدهای اخلاق رفتاری در عرصه مدیریت کلاس که شـامل مـوارد زیـر اسـت: رعایـت تواضع و فروتنی، خوشرویی و گشاده رویی، شکیبایی و بردباری، برخورد محبت آمیز با فراگیـران، خود را به جای مخاطب قرار دادن، تغافل و نادیده انگاری خطای دیگران، عفو و گذشت، حمایـت و کمک به دانشجو، رفق و مدارا نمودن با دانشجو

ب. نبایدهای اخلاق رفتاری در امر کلاسداری که در برگیرنده موارد زیر می‌باشد: تبعـیض در تعلیم و تربیت، دوگانگی گفتار و کردار، دیکتاتوری و خـودرایی، بـی‌عـدالتی، برخـورد مبتنـی بـر سوءظن وغفلت از عبارت طلایی «نمی‌دانم»

فهرست منابع

* قرآن کریم
** نهج البلاغه
۱. ابن مسکویه، ابوعلی، (بی تا)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ ق)، لسان العرب، قم، نشر الادب الحوزۀ.
۳. آخوندی، مصطفی، (۱۳۸۲)، اخلاق مدیریت، قم، انتشارات کوثر غدیر.
۴. اعرافی, علیرضا, موسوی, سید نقی, & کاظمی, سید عنایت اله. (۱۴۰۱). تبیین اصل رفق و مدارا و بررسی مفاهیم مرتبط با آن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی. تربیت متعالی, ۱(۳), ۷-۲۸.
۵. امیدوار، ا. ف، (۱۳۸۳)، اخلاق تدریس، قم، دفتر نشر معارف.
۶. اولیاء، محمد باقر و شکیبا، مهرداد،(۱۳۸۷)، چگونه مقالات پژوهشی را به روش علمی و سیستماتیک داوری کنیم؟، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی– درمانی شهید صدوقی یزد، دوره شانزدهم، شماره دوم ، صفحات ۸-۳.
۷. تهرانی، مجتبی، (۱۳۸۱)، اخلاق الهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. تمیمی آمدی، عبدالوحید ، (۱۳۷۷) ، غررالحکم و دررالکلم ، ترجمه انصاری، محمدعلی، تهران، بی‌نا.
۹. جوان، حمیدرضا و دیگران، (۱۴۰۰)، درسنامه اخلاق مهندسی، قم، نشر معارف.
۱۰. حبیبی, سیده فاطمه, امیریان زاده, مژگان, زارعی, رضا, & احمدی, عبادالله. (۱۴۰۰). شناسایی مولفه های شایستگی رهبری مدیران دانشگاه های آزاد اسلامی. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی, ۱۲(۲), ۱۹۴-۲۰۶.
doi:10.30495/jedu.2021.23538.4741
۱۱. حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۹۴) ،آداب تعلیم و تربیت در اسلام، ناشر:دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ ۳۶.
۱۲. حرّانی، حسن بن شعبه، (۱۳۸۰)، تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، تهران، انتشارات اسلامیه.
۱۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البیت (علیهم السلام).
۱۴. خزاعی، زهرا، بی تا، اخلاق کاربردی، ماهیت روش‌ها و چالش‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال نهم، شماره ۱، ص تا ۲۰۰-۱۹۲.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۰)، لغت‌نامه، تهران، نشر گلشن.

۱۶. دیلمی، احمد، (۱۳۹۲) ، اخلاق اسالامی، قم، دفتر نشر معارف .
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
۱۸. سعدی شیرازی، مصلح‌الدّین. (۱۳۹۱) ،گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ دهم.
۱۹. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۰)، چیستی اخلاق کاربردی، مجله معرفت اخلاقی، سال دوم ، شماره ۳، صفحات ۸۳-۹۶.
۲۰. شعبانی، حسن، (۱۴۰۱)، مهارتهای آموزشی و پرورشی شعبانی ، تهران، انتشارات سمت
۲۱. شهیدثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۶۴) ، منیه المرید [آداب تعلیم و تعلم در اسلام] ، ترجمه و نگارش محمدباقر حجتی، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، (۱۴۰۳ ق)، المصنف، بیروت، المجلس العلمی.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۱ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت
۲۴. عبداللهی, فردین, نادرنژاد, بهزاد, & باتمانی, فردین. (۱۴۰۲). تدوین الگوی مدیریت سوءرفتار دانش‌آموزان مدارس متوسطه اول. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی, ۱۴(۱), ۹۷-۷۸. doi: 10.30495/jedu.2023.27978.5599
۲۵. عسکری، مهدیه و نوری، ابراهیم و خاکپور، حسین، (۱۳۹۵)، کارکردهای تربیتی عزت نفس و نقش آن در سلامت روان از منظر قرآن و روایات، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، سال ششم، شماره ۴، صفحات ۱۴۶-۱۳۱.
۲۶. عمید، حسن، (۱۳۹۵) ، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ (۱۴۱۰ق)، العین، مصحح دکتر مهدی فخرومی، ابراهیم سامرایی، قم، انتشارات هجرت.
۲۸. فرامرز قراملکی، احد، (۱۳۹۸)، خلاق حرفه‌ای، چ۱۵، تهران، نشر مجنون .
۲۹. فرحزادی، اکبر، (۱۳۹۰)، اخلاق کارمندی، قم، انتشارات مهر امیرالمومنین.
۳۰. فرزانه، عبدالحمید، (۱۴۰۱)، پیش فرضهای اخلاق حرفه‌ای معلمان و اعضای هیات علمی دانشگاه ها، فصلنامه علمی پژوهش‌های اخلاقی، انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوازدهم، شماره پیاپی ۴۸ صفحات۱۶۰- ۱۴۱.
۳۱. فرزانه, عبدالحمید, & امیریان زاده, مژگان. (۱۳۹۵). میزان اثربخشی برنامه های فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی فارس از دیدگاه دانشجویان. دوماهنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی, ۷(۲۷), ۱۶۳-۱۷۸.
۳۲. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۵۸)، علم الیقین، تعلیق محسن بیدار فر، تهران: چاپ سنگی.
۳۳. فیض کاشانی ،محمد محسن (۱۴۰۶ق)، الوا فی، اصفهان، کتابخانه امیرالمومنین(ع).

۳۴. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور ، قم، مؤسسه فرهنگی درسهایی از قرآن ، چاپ یازدهم.
۳۵. قیومی اصفهانی، جواد، (۱۳۸۱)، صحیفه امام کاظم(ع)، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳۶. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۵)، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. محدث نوری، میرزاحسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البیت علیهم‌السلام.
۳۸. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، قم ، دارالحدیث.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق) ، بحارالانوار، بیروت، نشر دار الرضا.
۴۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، حماسه حسینی، قم، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم.
۴۱. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم، مدرسهٔ الامام علی بن ابی طالب(ع)، چاپ سوم.
۴۳. مکارم شیرازی ، ناصر و جمعی از فضلا، (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران، دارالکتب اسلامیه.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵) ،اخلاق اسلامی در نهج البلاغه(خطبه متقین) جلد۲ ، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ اول.
۴۵. مکارم شیرازی ، ناصر، (۱۳۷۵)، یکصد و پنجاه درس زندگی , قم، انتشارات نسل جوان.
۴۶. نراقی، ملامهدی، (۱۴۰۸ق)، جامع السعادات، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ ششم .
۴۷. واسطی زبیدی، محب‌الدین سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر للطباعهٔ و النشر و التوزیع.